

راهکار یا راهبرد های مقابله با تفکر جریان های تکفیری و جهادی

سید جواد موسوی^۱، حسین رهنمایی^۲، حمید ملک مکان^۳

^۱ دانشجوی دکتری دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

^۳ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

چکیده

در طی چند دهه اخیر، اسلام گرایی به یکی از محوری ترین تحولات در جهان امروزی تبدیل شده است. از طرفی جریان های تکفیری، با توجه به داشتن ویژگی هایی نظیر نقل گرایی، عقل ستیزی، خشونت گرایی، قشری گری، تکفیر برخی از مسلمانان و... چالش های متعددی را علیه همگرایی اسلامی بوجود آورده است. با توجه به موارد گفته شده، جریان های تکفیری هم به لحاظ اصول فکری و هم به لحاظ زمینه ها و بسترهای پیدایش به خوارج شباهت دارند به منظور دستیابی به اهداف پژوهش در ابتدا اصول فکری و چگونگی پیدایش جریانهای تکفیری تحلیل شده و سپس برخی از راهکارهای فکری - عملی از جمله: ترویج و تقویت تقریب مذاهب اسلامی و نشر مباحث اسلامی، تحلیل و نقد علمی اندیشه های تکفیری ها و لزوم هوشیاری نخبگان در آگاه سازی امت اسلامی و... مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه برخی از راهکارهای سیاسی - اجتماعی مقابله با خطر تکفیری ها از جمله: تأکید بر وحدت امت اسلامی و بیان آثار و آفات اختلافات مذهبی و دشمن شناسی و شناسایی نقش استعمارگران در پیدایش و گسترش سلفیه و فرقه های تکفیری مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: راهکارها، مقابله، سلفی، جهادی، جریان های تکفیری

مقدمه

یکی از مهمترین و تأثیر گذارترین جریان هایی که در بیداری اسلامی، حضور فعالی داشته است، سلفی گری است که قرائتی افراطی، فرقه گرایی و ارتجاعی از اسلام ارائه می کند و توانسته است نسبتاً مخاطبان زیادی در جهان اسلام بیابد. (محم فردین جلالی، ۱۴۰۱، شماره ۲۸)

جریان های تکفیری شاخه ای از سلفیت به معنای قدیمی آن است. سلفیت قدیم آن دسته از اهل ظاهر بودند که خود را به احمد بن حنبل منتسب می کردند و دیدگاه های خاصی در باب الهیات و تفسیر آیات و روایات داشتند این دیدگاه ها توسط ابن تیمیه در عصر بحران تمدن اسلامی احیاء و زمینه ساز ظهور شخصیت ها شد که بعدها به وهابیت شهرت یافت وهابیت از آن روز تاکنون تطورات فراوانی یافته و اشتراکات مهمی را حفظ کرده است. یکی از تطورات وهابیت جریان های تکفیری مثل داعش و القاعده است که ریشه در عقاید وهابیت دارد. در شرایط کنونی رشد جریان های تکفیری پیامدهای منفی و مخرب بسیار زیادی بر جای گذاشته است که لازم است برای آشنایی با نحوه عملکرد این جریان ها و راه های مقابله با افکار آنها پژوهش ها و تحقیق هایی صورت پذیرد. اگرچه بیداری اسلامی در سال های معاصر با شتاب پیش رفت و توالی حوادث و رویدادها به گونه ای بود که با توجه به فقر داشته های علمی و عدم وجود سیاست های راهبردی، قدرت برنامه ریزی را گرفت و موجب شد جریان سلفیه علاوه بر این که زمینه های افراطگرایی و تکفیر را در جهان اسلام بگستراند، به نوعی سطحی نگری و آراء و اندیشه های سخیف، متوسل شود.

لذا پژوهش جامعی که اختصاصاً به طور مستقیم و هدفمند به مسئله جریان های تکفیری و راه های برون رفت از این جریان ، پرداخته شده باشد، یافت نشد. بلکه هر کدام از پژوهش های مذکور از جنبه ی خاصی به این امر پرداخته اند در حالیکه در این مقاله سعی بر آن است که بصورت مستقل و هدفمند مسئله جریانهای تکفیری و برخی از راهکارهای برون رفت از خطر آنها مورد بررسی قرار گیرد. (مریم زیار و دیگران، ۱۴۰۱، شماره ۳۵)

پیشینه تحقیق

مطالعاتی بسیار در زمینه اسلام گرایی در جهان اسلام و غرب آسیا انجام شده اند؛ شمار این پژوهش ها پس از رویداد یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ بده طوری چشمگیر رشد داشته است؛ باوجوداین، پژوهش های انجام و منتشرشد در باب جریان سلفی، بسیار کم شمارند؛ شاید این نقص با نظرداشت تداخل مفاهیم اسلام گرایی و سلفی گری قابل چشم پوشی باشد؛ اما با توجه

به پیچیدگی جریان های اسلام گرا در دهه اخیر و گسترش فعالیت ها و گرایش های آنان، تحلیل و مطالعه این جریان ها ضرورتی بیشتر را می طلبد.

جان اسپوزیتو (۱۳۹۱) در کتاب دموکراسی و جامعه مدنی در خاورمیانه که در اصل مجموعه ای از مقالات است به بررسی نقش جامعه مدنی در غرب آسیا پرداخته تصویری از نیرو های جامعه مدنی خاورمیانه که جنبش های اسلامی نیز می تواند بخشی از این جامعه مدنی باشد ارائه می دهد. اسپوزیتو در این کتاب نتیجه می گیرد که جنبش های اسلامی می تواند یکی از نیرو های جامعه مدنی تلقی گردد که آن را در اثر تجربه ناموفق گذار سنت به مدرنیته و چالش ها و بحران های مربوط به آن می داند (اسپوزیتو، ۱۳۹۱).

اولویه روا (۱۳۷۹) در کتاب تجربه اسلام سیاسی به بررسی و مطالعه تجربه اسلام سیاسی و فراز و فرودهای آن در سه کشور الجزایر، افغانستان و ایران می پردازد، وی هم چنین ریشه های موفقیت و ناکامی اسلام سیاسی را نیز در این جوامع مورد مطالعه قرار می دهد، وی در این کتاب نتیجه می گیرد که شکست و ناکامی جنبش های اسلام سیاسی در اثر عدم دست یافتن به قدرت سیاسی توسط این جنبش ها می باشد (اولویه روا، ۱۳۷۹).

در ادبیات موجود مبحث مورد مطالعه این پژوهش، همچنین می توان از دو کتاب دیگر، یعنی سلفی گری چیست؟ اثر برنار روژیه، و کتاب سلفی گری از خلیج {فارس} تا حومه {پاریس}؛ سلفی گری جهانی شده اثر محمدعلی ادرای، نیز یادکرد که در غنابخشیدن به دانسته های موجود درخصوص جریان های اسلام گرای سلفی، مؤثر بوده اند.

نوآوری مقاله حاضر در مقایسه با سایر پژوهش های انجام شده در این زمینه، دربار بازشناسی ریشه های خارجی جریان های اسلام گرای سلفی است که منشأ این جریان ها را از لحاظ فکری و نظری (تئوریک)، عربستان سعودی و شمال آفریقا می داند. (محمد فردین جلالی، ۱۳۹۷، شماره ۲۸)

مبانی نظری سلفی گری تکفیری

مفاهیم

اصطلاح بنیادگرایی به گرایش هایی اطلاق می شود که در برابر ایدئولوژی یا الهیات لیبرال، به صورتی محافظه کارانه با رجوع و ارجاع به اصول فکری (و به طور عمومی دینی) مشخص، آمریت آن ها را می پذیرند؛ این اصطلاح با وجود «خصلت دینی»، به اسلام و جریان های اسلامی اختصاصی ندارد. در این میان، اصطلاح های تعصب و تمامیت خواهی، بیشتر وجه دینی و سنت خواهی دارند. درحالی که تعصب گرایی بر شیوه حمایت از سنت اشاره دارد، تمامیت خواهی بر حفظ کلیت

آن در برابر اصلاح گرایی اطلاق می شود؛ سنت گرایی در برابر نوگرایی نیز در مفهومی عام به جریانی اطلاق می شود که به پاسداشت سنتی دینی، سیاسی و اجتماعی اهتمام می ورزد. افراطی گری در برابر اعتدال گرایی به جریانی گفته می شود که گرایشی تندرو و پرخاش گرانه دارد و در پی تغییر خشونت بار، سریع، انقلابی، جذری (رادیکال) و براندازانه است و بیشتر درزمینه سیاسی به کار میرود.

اسلام گرایی به جریانی اطلاق می شود که به دخالت دین (اسلام) در حوزه عمومی و سیاسی باور دارد و برای اجرای شریعت اسلامی و برپایی حکومت اسلامی، از روش های مسالمت آمیز یا قهری استفاده می کند. جهادگرایی، بیانگر جریانی است که با اعتقاد به اسلام سیاسی، برای برپایی حکومت مبتنی بر شریعت اسلامی، به کار بست خشونت و نیروی نظامی با فرمان جهاد (ضد کافران)، متوسل می شود. طالبانی گری، شیوه خاص اسلام سیاسی جهادی پیاده شده در افغانستان است که با اجرای شریعت، جنگ داخلی و فرقه ای و قومی، همراه بود.

سلفی گری، جریانی اصول گرا و اسلام گراست که می تواند سیاسی باشد؛ درحالی که به طور عمومی، غیرسیاسی است؛ جریان های سلفی سیاسی نیز می توانند برای اجرای شریعت و برپایی حکومت اسلامی، بر آموزه های جهادی یا حزبی تکیه کنند و به نبرد نظامی یا کارزار حزبی برای دستیابی به قدرت، متوسل شوند. این نکته را باید در نظر داشت که هر سلفی به ضرورت، جهادگر نیست و هر جهادگر مسلمان هم، لزوماً سلفی نیست؛ هرچند جریان های جهادی سیاسی معاصر فعال در حوزه اهل سنت، به طور عمومی از آموزه های سلفی، سیراب شده اند. شمار و گستره فعالیت سلفیان مذهبی (تنزه طلب)، بیش از دیگر گروه هاست؛ هرچند گروه های دیگر به دلایل روشن سیاسی، در رسانه های جمعی، بیشتر دیده می شوند. (محمدفردین جلالی، ۱۳۹۷، شماره ۲۸)

تکفیر

در لغت : واژه تکفیر از ریشه «کفر» به معنای پوشانیدن گرفته شده (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵۲۶)، این واژه ریشه تک معنایی دارد و بر پنهان کردن و پرده پوشی و سرپوش نهادن دلالت می کند (حمید محمدی، مفردات راغب، ۱۳۸۱، ص ۲۷۲).

در اصطلاح : تکفیر اصطلاحی است در علم کلام و فقه، در اصطلاح فقها، تکفیر به معنای نهادن یک دست بر روی دست دیگر در هنگام ایستادن در نماز و نیز در غیر نماز برای ادای احترام آمده است، (امینی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۷۱). در اصطلاح کلام تکفیر را به معنای نسبت دادن کفر به دیگران و کافر نامیدن آنان دانسته اند (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴). تکفیری

یعنی مسلمانی که دیگر مسلمانان را متهم به ارتداد می کند این اتهام تکفیر نامیده می شود. (مریم زیار و دیگران، ۱۴۰۱، شماره ۳۵)

جریان های سلفی تکفیری

با توجه به عوامل پیش، می توان سلفی گری را به گونه هایی که در پی می آید، تقسیم کرد:

سلفی گری تکفیری

سلفی گری تکفیری به گرایش گروهی از سلفیون گفته می شود که مخالفان خود را کافر می شمارند براساس مبنای فکری آنان میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد. به این معنی که اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد و مرتکب کبائر شود، از دین خارج شده و کافر شمرده می شود. در جهان اسلام تنها گروهی که چنین عقیده ای داشتند، خوارج بودند. خوارج ایمان را بسته به عمل می دانستند و فرد مرتکب کبیره را از دین خارج و واجب القتل می شمردند. به همین علت در برابر مسلمانان قد برافراشتند و آنان را به بهانه های واهی کشتند. سلفی های تکفیری نیز چنین دیدگاهی دارند. چنین دیدگاهی موجب شده است که مسلمانان را به علت انجام امور مذهبی خود، در ردیف مشرکان قرار دهند و در نتیجه آنان را «مهدورالدم» شمارند. این گروه - مانند خوارج - مسلمانان را از آن جهت که همانند آنها نمی اندیشند و به باور آن ها مشرک هستند، کافر می دانند. (محمدفردین جلالی، ۱۳۹۷، شماره ۲۸)

مهم ترین نوع سلفی گری تکفیری (تکفیر مسلمانان) شاخه اصلی وهابیت یا همان «وهابیت تکفیری» است. بی اغراق می توان گفت تمامی جنگ های وهابیان با مسلمانان و در مناطق اسلامی بود است :

بر هر شهری که با قهر و غلبه دست می یافتند، خون مردم را مباح می دانستند. اگر می توانستند آن را جزو متصرفات و املاک خود قرار می دادند و در غیر این صورت به غنایمی که به دست آورده بودند، اکتفا می کردند (حافظ وهبه، ۱۳۵۴ ق: ۳۴۱).

وهابیت سلفی تکفیری در توجیه وضع عراق، آن را در تسلط چهار گروه می داند: اول صلیبیون، که منظور از آن ها، اشغالگران آمریکایی و غربی هستند؛ دوم رافضیون، که مراد شیعیان عراق هستند؛ سوم صفویون یا همان شیعیان ایرانی هستند که به گمان آنان بر عراق تسلط دارند؛ و چهارم مرتدین، یعنی اهل سنت عراق هستند که با دولت همکاری می کنند. بر همین پایه نیز، به جهاد با این چهار گروه فتوا داده و کشتن و کشته شدن در این راه را موجب سعادت می شمارند. آنان هیچ تفاوتی میان کافران اشغالگر آمریکایی و مسلمانان شیعه و سنی این کشور قائل نیستند و همه را مستحق مرگ

می دانند. آنان هم چنین فتواهایی مبنی بر کافر بودن شیعیان و دیگر مسلمانان صادر کرده اند؛ چنان که «عبدالرحمن ناصر البراک»، یکی از علمای وهابی، شیعه و بیش تر اهل سنت را که تمایلات صوفی دارند، کافر و مشرک می داند. فتوای قتل شیعیان و تخریب قبرهای امامین عسکریین از سوی علمای وهابی - که «بن جبرین» در رأس آنان بود - موجب شهادت جمعی از شیعیان و تخریب دو مقبره امامان شیعه شد. این فتوا در سایت خود وی به شماره فتوای ۱۸۰۸۰ و به تاریخ ۲۶/۱۱/۱۴۲۷ ق موجود می باشد.

به جز وهابیان، گروه های تندروی دیگری نیز - مانند گروه های وابسته به مکتب سلفی «دیوبندی» در پاکستان - هستند که چنین اعتقادی دارند. «سپاه صحابه» و «لشکر طیبه» همگی از گروه های سلفی وابسته به شاخه افراطی دیوبندی هستند که به طور رسمی، شیعیان را کافر اعلان کرده و هر بار جنایت های فجیعی انجام می دهند (علیزاده موسوی، «مکتب دیوبند»، ۱۳۹۲).

سلفی گری جهادی

نظریه پردازی درباره سلفی گری جهادی ریشه در اندیشمندان مصری دارد. سرچشمه این نوع از سلفی گری را نخست باید در اندیشه های «سید قطب»، جستجو کرد.

به عقید سید قطب، جاهلیت قرن بیستم وخیم ترین نوع جاهلیتی است که در تاریخ بشر بر روی زمین ظاهر شده است. به نظر وی تلاش های پیامبر برای از بین بردن دشمنانش آسانتر از تلاش هایی است که باید برای پایان دادن به جاهلیت در عصر حاضر صرف شود. وی دلیل این امر را دشمنی دوگانه ای می داند که مؤمنان باید با آن مبارزه کنند؛ دشمن خارجی (عمدتاً فرهنگ غربی) و دشمن داخلی در میان دنیای اسلام (حاکمان غیر اسلامی).

وی در چنین شرایطی «جهاد» را مطرح می کند و بیان می کند که در این شرایط مسلمان وظیفه دارد برای برپایی دین - چه با کفار و چه با حاکمان دست نشانده کشورهای اسلامی - جهاد کند. چنین رویکردی موجب شد که «اخوان المسلمین» با تأثیر از اندیشه های سید قطب، مواضعی جهادی در برابر دولت مصر بگیرد.

گروه مصری دیگری که در ایجاد اندیشه سلفی گری جهادی تأثیر داشت، «جماعت اسلامی مصر» بود که «عبدالسلام فرج» مانیفست جهادی آنان را نوشت. وی در سال ۱۹۷۹ م (۱۳۵۸ ش) در کتاب «الفریضه الغائبه» جهاد را به عنوان واجبی که فراموش شده است، مطرح کرد و میان گروه جهاد و جماعت اسلامی مصر، پیوندی ایجاد شد که سرانجام، به ترور «انور سادات» انجامید.

اما در دیدگاه های سید قطب و عبدالسلام فرج، جنگ ها و اختلاف های فرقه ای وجود نداشت و عامه مردم و علما به علت اختلاف عقاید مورد حمله و کشتار قرار نمی گرفتند.

البته سید قطب، به سبب تمکین مردم مصر و عدم قیام در برابر حاکم غیر اسلامی، مردم مصر را تکفیر کرد، اما این تکفیر هرگز جنبه فرقه گرایانه نداشت و مذهبی نداشت، بلکه زمینه ای برای تحریک مردم برای قیام علیه دولت های جائز و ستمگر بود.

انحراف در اندیشه سلفی گری جهادی هنگامی آغاز شد که سلفیان تکفیری کوشیدند این جریان را به نفع خود مصادره کنند. سازمان هایی مانند «القاعده» و «حزب التحریر»، به جای مبارزه با کافران، وارد مبارزه های عقیدتی درون دینی شدند (Tower: Al-Qaeda and the Road to The Looming332)

این انحراف که تقریباً پس از جنگ افغانستان با شوروی سابق آغاز شد، رفته رفته، بر جنبه های فرقه گرایی خود افزود و به آلتی در دست متعصبان و گروه های تکفیری سلفی تبدیل شد. به همین علت نیز برخی، سلفی گری جهادی را شکل منحرف شده اندیشه های سید قطب می دانند.

گروه های وهابی و تروریستی در کشورهای اسلامی که بسیاری از آن ها ریشه در القاعده دارند، در حالی که به شدت تکفیری اند، می کوشند خود را به عنوان چهره های جهادی معرفی کنند و فجیع ترین جنایت ها به دست گروه های وابسته به این جریان در کشورهای اسلامی انجام میشود. گروه هایی مانند «الجماعه المسلحه» و «الجماعه السلفیه الدعوه والقتال» در الجزایر که کشتارهای آنان در جهان اسلام معروف است. «جماعه شباب المجاهدین» در سومالی، «جماعه جند انصارالله» در رفح و «حزب التحریر» که فعالیتی جهانی دارد، نمونه هایی از سلفی گری تکفیری هستند که از مفهوم مقدس «جهاد» سوء استفاده می کنند. به عنوان نمونه «زرقاوی» که رسماً رهبری شاخه عراقی القاعده را در دست داشت، ابتدا با هدف مبارزه با اشغالگران وارد عراق شد، اما پس از چندی رسماً به تهدید شیعیان و حتی اهل سنت عراق پرداخت و بسیاری از بمب گذاری ها که مردم بی گناه را در کوچه و بازار به کام مرگ کشید، توسط او انجام می شد. (اخبار شیعیان، شماره ۸) مثله کردن و سربردن شیعیان از فعالیت های این گروه است (محمد فردین جلالی، ۱۳۹۷، شماره ۲۸)

سلفی گری تبلیغی

سلفی گری تبلیغی بیش تر در برابر سلفی گری تکفیری مطرح می شود. سلفی گری تبلیغی نوعی از سلفی گری است که محور فعالیت های خود را تبلیغ اندیشه ها و مبانی سلفی گری قرار می دهد. هرچند در ماهیت این نوع از سلفی گری نیز

تکفیر مخالفان دیده می‌شود، اما در ظاهر نسبت به جهاد و مبارزه با مسلمانان کم‌تر تأکید دارد. سلفی‌گری تبلیغی می‌کوشد تا در عصر جهانی شدن، با بهره‌برداری از فن‌آوری‌های پیش‌رفته ارتباطی، گفتمان سلفی‌گری را جهانی سازد. چندین هزار سایت اینترنتی و چند شبکه ماهواره‌ای، مسئولیت تبلیغ دیدگاه‌های سلفی‌گری را به عهده دارند. معالاً در باب تبلیغ نیز این جریان‌ها در دو محور فعالیت می‌کنند:

۱ - ترویج مبانی سلفی‌گری: سلفیان تبلیغی می‌کوشند تا معارف و مبانی خود را در قالب روش‌های نوین به جهانیان عرضه کنند. مباحثی مانند: حدیث‌گرایی، گذشته‌گرایی، ترویج مفاهیم اعتقادی تحریف‌شده خود مانند توحید و شرک و ایمان و کفر و..

۲ - شبهه‌افکنی: بخش دیگر و مهم‌تر از بخش اول در سلفی‌گری تبلیغی، القای شبهه برای تخریب عقاید مسلمانان است. به عنوان نمونه در ایام محرم، شبهه‌های عزاداری مطرح می‌شود و یا در مورد اهل سنت، طریقت که شمار فراوانی از اهل سنت به آن اعتقاد دارند، به چالش کشیده می‌شود.

در این میان، شبکه «جماعت تبلیغ» نیز یکی از شاخه‌های سلفی‌گری تبلیغی است که در بیش از صد کشور جهان شعبه دارد و سالانه دو گردهمایی بزرگ را در پاکستان و بنگلادش برگزار می‌کند.

ویژگی جماعت تبلیغ در این است که برخلاف سایر گرایش‌های تبلیغی، معتقد به روش «چهره به چهره» است و استفاده از فن‌آوری روز را تحریم می‌کند. این جریان در ایران نیز به شدت فعال است.

اهل حدیث و اهل قرآن پاکستان نیز بیش‌تر در باب سلفی‌گری تبلیغی فعال هستند و وهابیون در عربستان کتاب‌های آنان را در تیراژهای انبوه چاپ می‌کنند. کتاب‌های «احسان الهی‌ظہیر» از جمله این کتاب‌هاست. (محمد فردین جلالی، ۱۳۹۷، شماره ۲۸)

سلفی‌گری سیاسی

تعریف سلفی‌گری سیاسی نسبت به انواع دیگر سلفی‌گری با دشواری‌های بیش‌تری همراه است؛ زیرا از یک سو بسیاری از جریان‌های سلفی، هدف‌های سیاسی را در کنار هدف‌های اعتقادی دنبال می‌کنند، و از سوی دیگر، غربی‌ها به هر حرکت اسلامی که قائل به ارتباط دین با سیاست باشد، عنوان سلفی می‌دهند. در این نگاه تعبیرهایی مانند «بنیادگرایی، Fundamentalism» و «اسلام سیاسی، Political Islam» نیز مترادف این مفهوم شمرده می‌شود.

در تعریف سلفی گری سیاسی می توان گفت، سلفی گری سیاسی، نوعی از سلفی گری است که با وجود داشتن هدف های اعتقادی، بیش تر در پی هدف های سیاسی و به دست آوردن قدرت سیاسی است. برای سلفی گری سیاسی به این معنی، می توان نمونه های بسیاری نام برد. برخی گروه های سلفی می کوشند از راه روش های دیپلماتیک به هدف های اعتقادی خود دست یابند؛ مانند «جمعیت العلمای اسلام» در پاکستان که می کوشد از راه حضور در مراکز تصمیم گیری پاکستان و شرکت در انتخابات مجلس برای به دست آوردن کرسی های بیشتر، نفوذ خود را در پاکستان افزایش دهد.

برخی دیگر از جریان های سلفی مانند جریان وهابیت نوگرا، هرچند سلفی هستند، اما بیش از آن که دغدغه دین داشته باشند، به دنبال حفظ و کنترل قدرت اند. نمونه این جریان، نظام پادشاهی عربستان است که ارتباط بسیاری با کشورهای غربی دارد. (محمد فردین جلالی، ۱۳۹۷، شماره ۲۸).

پنج واژه پر کاربرد در مسائل اسلامی و ارتباط آنها با تکفیری ها

در دین اسلام پنج واژه به صورت واژه کاربردی دینی مطرح است. واژه اول «اسلام» است. «اسلام» شکل ظاهری و قانونی دارد و هر کس شهادتین را بر زبان جارب کند، در مسلک مسلمانان وارد و احکام اسلام بر او جاری می شود؛ ولی ایمان یک امر واقعی و باطنی است و جایگاه آن قلب آدمی است نه زبان و ظاهر او (محمدی، مفردات قرآن، ۱۳۸۱ ص ۱۴۶). دو واژه دیگر دقیقاً در مقابل این دو واژه (مسلمان و مؤمن) قرار دارند، به کسی که ایمان نیاورده و دین حق را نپذیرفته کافر گویند (محمدی، ۸۱ ص ۲۷۲).

اصطلاح دیگری است به نام «مشرک»، به کسی که در کنار خدا، خدایان دیگری را قبول دارد مشرک می گویند. اصطلاح پنجمی هست به نام «منافق»، به کسی که در باطن، کافر و در ظاهر، مسلمان باشد منافق می گویند. (همان، ص ۲۸۹).

در عصر پیامبر اکرم (ص) به دلیل دسترسی به وحی و حضور آن حضرت، اختلاف اعتقادی چندانی در میان مردم نبود و اگر احياناً اختلافی پیش می آمد، با مراجعه به آن حضرت برطرف می شد. با رحلت ایشان و منقطع شدن وحی، اختلاف نظرها و به دنبال آن منازعات اعتقادی آشکار شد. نخستین اختلاف اعتقادی مهم، بلکه مهم ترین و بزرگ ترین نزاع دینی در تاریخ اسلام، اختلاف بر سر امامت و خلافت پیامبر بود، (برنجکار، ۱۳۷۸ ص ۱۶ و ۱۷).

پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مسلمان ها دو گروه شدند: یک گروه گفتند: امامت در قبیله قریش منحصر است و عمر با ابوبکر بیعت کرد و دیگران نیز تبعیت کردند، اما گروه دیگری از مسلمین که در رأس آنها امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) و اصحاب خاص پیامبر (ص) همچون سلمان و ابوذر و... با استناد به آیات قرآن و احادیث پیامبر،

بر آن بودند که امام با نص از سوی خداوند تعیین شده است و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز بارها او را معرفی کرده است. از همین جا بود که امت اسلامی به دو فرقه اهل سنت و شیعه تقسیم شدند. اهل سنت بر آن بودند که پیامبر(ص) برای خود جانشین معین نکرده است و احوال تعیین امام مسئله ای انتخابی است. (مریم زیار و دیگران، ۱۴۰۱، شماره ۳۵)

در مقابل شیعه به مسلمانانی گفته می شود که حضرت علی (علیه السلام) را پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خلیفه شرعی می دانند و عمل آنان را که در «سقیفه بنی ساعده» گرد آمدند و ابوبکر را به خلافت برگزیدند نمی پذیرند (تاریخ تشیع، ۱۳۸۹ ص) این منازعه باعث پیدایش و ظهور دو فرقه مهم اهل سنت و شیعه گردید که اکثر مذاهب اسلامی را می توان زیر مجموعه این دو فرقه قرار دارد. (مریم زیار و دیگران، ۱۴۰۱، شماره ۳۵)

الف: راهکارهای فکری – فرهنگی مقابله با افکار گروه های تکفیری

۱ - در عرصه فکری ترویج و تقویت تقریب مذاهب اسلامی و نشر مباحث اسلامی تقریب مذاهب به فرق اسلامی کمک می کند تا پیام خود را انتشار داده و به هم اندیشی با یکدیگر مبادرت نمایند. همچنین کمک می کند روند حرکت اندیشه اسلامی تنظیم شود و موجب وارد شدن نخبگان فکری جهان اسلام به یک متن اسلامی می گردد به نوعی که به رغم تفاوت های مذهبی، نوعی رابطه بین مسلمانان برقرار می شود که زمینه ای برای تعامل افکار و آشنا سازی اندیشه ها به وجود می آورد، در عین حال موجب شناخت رویکردها و بنیان های ارزشی سایر مذاهب و فرهنگ ها می شود و باعث اهتمام به پدیده هایی همچون مشارکت، تعاون، همکاری، صلح و غیره می گردد و تلاش برای وصول به اجماع نظر بر سر اصول و قواعد عمل جمعی و عام در سطح جهان اسلام را هموار می سازد. (دهشیری، ۱۳۹۰، ص ۲۸۵-۲۷۸)

از راهکارهای پیشنهادی مقام معظم رهبری حضرت الله آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) در ارتباط با تقریب مذاهب، در راستای مقابله با خطر جریان های تکفیری توجه به فریضه حج است از منظر معظم له، حج می تواند به کاهش فاصله ها و بیگانه پنداری مسلمانان بینجامد و نیز در تبلور معنای اخوت و برادری مؤثر واقع شده و منجر به از بین رفتن جریان های تکفیری شود. (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران حج، ۲۰/۶/۱۳۹۲).

سیره حضرت امام رضا (علیه السلام) هم همچون چراغی فروزان امروز می تواند مسیرهای تاریک را روشن کند و به ما اثبات کند که چرا مسئله «تقریب مذاهب» لازمه روزگار ماست.

امام هشتم (علیه السلام) بر این مطلب تأکید داشتند که در شرع نمی توان بدون دلیل قاطع و روشن، پیروان دیگر مذاهب را تکفیر کرد، چرا که همه به اصل اسلام اعتقاد دارند. حضرت امام رضا (علیه السلام) پیروان مذاهب را همواره به انتخاب

شیوه های پسندیده پیشوایان دین در بحث ها و مناظره ها دعوت می کردند. در سیره امام هشتم (علیه السلام) تقویت وحدت در جامعه اسلامی، اقدام و عمل با محوریت قرآن و تمسک به سیره و سنت نبوی از مهم ترین اصول اعتقادی است. امام (علیه السلام) تقرب مذاهب را هیچ گاه پذیرش و سکوت در مقابل اعتقادات و نظرات دیگر مذاهب نمی دانند، اما بر آزادی اندیشه، خودداری از دشمنی مذهبی، نفی قومیت گرایی، اصلاح اخلاق جامعه اسلامی و ارتقای سطح علمی جامعه تأکید دارند. با الگو گیری از عالم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می توان گفت: که امروز جمع آوری روایات و احادیثی که از نظر سند مورد پذیرش هستند، گردآوری روایاتی که در مبانی و مصادر همه مذاهب وجود دارند و شناسایی راویان ضعیف و جاعلان حدیث و نقد و ابطال آنها بسیار ضرورت دارد. (وبگاه آستان قدس رضوی، www.aqr.ir).

۲- تحلیل و نقد علمی اندیشه های تکفیری ها و لزوم هوشیاری نخبگان در آگاه سازی امت اسلامی

بدیهی است مبارزه فکری و فرهنگی با گروهها و جریان های تکفیری و سلفی باید گسترش یابد، بلکه باید به فکر خشکاندن اندیشه و تفکر این جریانها بود و مقابله نظامی و فیزیکی کافی نیست، چون اگر تنها به مقابله نظامی با این جریانهای افراطی اکتفا شود شاید در یک نقطه بتوان آن را خاموش کرد اما در نقطه ای دیگر این آتش زبانه خواهد کشید. (مکارم شیرازی، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت اهلل مکارم شیرازی، بی تا).

برای برون رفت از خطرات و مشکلات جریان های تکفیری لازم است. نخبگان و بزرگان سیاسی در جهان اسلام به آگاه سازی و محکوم کردن جریان های تکفیری بپردازند در این زمینه مقام معظم رهبری می فرمایند: «اینها اگر چنانچه به وسیله ی مسلمانها به طور کامل محکوم نشوند و بزرگان علمی و بزرگان روشنفکری و بزرگان سیاسی وظیفه خودشان را در مقابل اینها انجام ندهند، این فتنه ها به اینجاها منحصر نمی ماند؛ بالئی به جان جامعه ی اسلامی می افتد و روز به روز این آتش توسعه پیدا می کند. باید جلوی این فتنه ها را بگیرند؛ چه از طریق سیاسی، چه از طریق فتاوی دینی، چه از طرق مقاله های روشنگر نویسندگان و روشنفکران و نخبگان فکری و سیاسی در دنیا» (بیانات رهبری در دیدار دست اندرکاران برگزاری انتخابات، ۱۶/۲/۱۳۹۲).

۳ - شناسایی و کتاب شناسی نقد سلفی گری و تکفیری

در عرصه فکری باید با فکر و منطق سلفی ها بصورت علمی مبارزه کرد، کتابهایی که علمای اهل سنت و عالمان شیعه علیه وهابی ها نوشته اند بعد از شناسایی در مراکز علمی پخش شود یا کتاب هایی که حنابله و اهل حدیث و مالکی ها در ردّ مباحث اعتقادی وهابی ها نوشته اند شناسایی و پخش شوند. (صالحی، نشست همگرایی مذاهب اسلامی، ۱۳۹۳).

همچنین لازم است کتاب هایی که در موضوع نقد جریان های تکفیری منتشر شده است را در مراکز علمی مثل مدارس و دانشگاه ها تدریس کرد و آنها را راجع به تفکر انحرافی تکفیر روشن نمود، (مکارم شیرازی، خبرگزاری دانشجویان ایران) ایسنا، پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت اهل مکارم شیرازی، بی تا).

۴- فهم درست قرآن و بازگشت به آن و تبیین اسلام واقعی

بر اساس گواهی عالمان اسلام عمده ترین علت انحراف جریان های تکفیری فهم نادرست از آیات قرآن است. بنابر این یکی از راهکارهای اصلی و کلیدی برای برون رفت از خطر جریان های تکفیری و مشکلات ناشی از آن فهم درست قرآن و تبیین اسلام واقعی و دقت و بازگشت به قرآن است، (دانشیار، ۱۳۹۳، صص ۱۶-۱۷)

لازم است همه مردم اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان را نسبت به تعالیم نورانی اسلام آشنا سازیم و روشن کنیم که اسلامی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به ارمغان آورده است با آنچه گمراهان تکفیری می گویند در تعارض کامل است و هیچ ارتباطی میان این دو نیست. (مکارم شیرازی، خبرگزاری دانشجویان ایران) ایسنا، پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم شیرازی، بی تا).

حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می فرمایند: «ما مسلمان ها باید قرآن را، اسلام را درست بفهمیم و با میزان عقل و خرد خودمان و با راهنمایی اندیشه ی بشری و اسلامی، به اعماق تعالیم پیامبر اسلام و این پیام ها برسیم» (بیانات معظم له در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۳/۰۳/۰۶).

ایشان می فرمایند: «دنیای اسلام تشنه حقایق قرآن است» و قرآن راه سلامت، راه عزت و امنیت روانی و سبک زندگی درست را به انسان ها یاد می دهد، (بیانات معظم له در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین المللی قرآن کریم، ۱۳۹۲/۰۳/۱۸).

ب: راهکارهای سیاسی - اجتماعی مقابله با افکار گروه های تکفیری

۱- تأکید بر وحدت امت اسلامی و بیان آثار و آفات اختلافات مذهبی

وحدت اسلامی یکی از راهکارهای اساسی در برخورد با بسیاری از چالشها و مشکلات جهان اسلام است. ادبیات مقدس اسلام مشحون از مفاهیمی است که با تصریح و تلویح، مسلمانان را دعوت و امر به وحدت می نماید و از تجزیه و تفرقه هراسانیده و پرهیز می دارد. (محمد حسین امیردوش، ۱۳۸۴، ص ۱۰).

از رسول گرامی اسلام نقل شده است: ای مردم، لازم است که با جماعت زندگی کنید و از تفرقه بپرهیزید. (متقی هندی؛ کنز العمال، ص ۲۰۶).

حضرت زهرا سلام الله علیها در خطبه خود فلسفه امامت را حفظ وحدت اسلامی و جلوگیری از تفرقه بیان داشته و می فرماید: خداوند اطاعت از (خدا و پیامبر) را به جهت نظام بخشیدن به امور مردم، امامت و رهبری را به جهت جلوگیری از تفرقه واجب فرموده است (نصرتی؛ نظام سیاسی اسلام، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹).

حضرت آیت الله خامنه ای به صورت ویژه ای به این امر پرداخته اند ایشان می فرمایند: یکی از دستورات قرآن این است که احاد امت اسلامی با یکدیگر متحد باشند... اختلاف میان مسلمانان یک عده، عده ای دیگر را تکفیر کنند، خود را از آنها بری بدانند، این چیزی است که امروز استعمار میخواهد؛ برای اینکه ما با هم نباشیم...» (بیانات معظم له در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین المللی قرآن کریم، ۱۸/۰۳/۱۳۹۲). از منظر معظم له جریان های تکفیری مانند سَم هستند که باید از بدنه جهان اسلام خارج شوند: «امروز کسانی هستند که سلاحشان تکفیر است؛ ابائی هم ندارند که بگویند ما تکفیری هستیم؛ اینها سَم اند، خب، این سَم را باید از محیط اسلامی خارج کرد...». (بیانات معظم له در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰).

آیت الله مکارم شیرازی می فرمایند: تردیدی نیست که بزرگ ترین خطری که در حال حاضر وحدت و انسجام امت اسلامی را تهدید می کند فتنه گروه های تروریستی تکفیری است. این گروه ها بدون هیچ بینه ای حکم به تکفیر گروهی از مسلمانان کرده و آنها را مهدورالدم دانسته و بر طبق همین اعتقاد باطل، خون صدها بی گناه را بر زمین می ریزند، لیکن بهترین راه برای رفع فتنه جریان های تکفیری اتحاد همه علمای اسلام است، همه باید با اتحاد و وحدت تلاش کنیم تا این عقده های باطل و انحرافی توسعه پیدا نکند. زیرا هرگونه اختلاف در این زمینه موجب سوء استفاده دشمنان می شود. علمای اسلام نیز نباید به اختلافات مذهبی دامن بزنند و همه مسلمین باید در یک صف واحد قرار بگیرند، (مکارم شیرازی، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم شیرازی، بی تا).

۲- دشمن شناسی و شناسایی نقش استعمارگران در پیدایش و گسترش سلفیه و فرقه های تکفیری

«دشمن شناسی» از اساسی ترین شناخت ها برای جهان اسلام و مسلمانان محسوب می شود و برای مقابله با جریان های تکفیری باید به شناسایی دشمن و نقش آنها در پیدایش و گسترش فرقه های تکفیری پرداخت: معظم له به مسئله دشمنی آشکار کشورهای غربی علیه اسلام و مسلمانان اشاره کرده و تکلیف مسلمانان را در این زمینه روشن ساخته اند: «... دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به شناختن حقیقی جبهه ی دشمن امت اسلامی؛ دشمنانمان را بشناسیم، دوستانمان را بشناسیم،

گاهی دیده شده است که مجموعه ای از ما مسلمانها با دشمنان خودمان همدست شدیم برای زدن دوستان خود، برای زدن برادران خود، خب، این به ما لطمه می زند، این امت اسلامی را دچار آشفتگی می کند، دچار ضعف می کند، این ناشی از نداشتن بصیرت است.» (بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۶/۳/۱۳۹۳).

ایشان می فرمایند: «مسلمان ها باید به عناصر قدرت خودشان برگردند؛ باید در درون خودشان عوامل اقتدار و توانایی را روز به روز افزایش دهند. یکی از مهم ترین عوامل اقتدار، همین اتحاد و اتفاق است این برای ما درس است، برای ملت های مسلمان درس است.» (بیانات معظم له، ۲۹/۱۰/۱۳۹۲).

۳ - تبیین سازش سلفی (وهابیت) با یهود و جریان های تکفیری

یکی از بهترین راه های مقابله با جریانهای تکفیری، تبیین رابطه تکفیری ها و وهابیت برای مردم دنیاست: چرا که یقیناً گروه های تکفیری ثمره شوم وهابیت است و اگر بخوبی بتوانیم این رابطه را به مردم نشان دهیم یکی از بهترین پاسخ ها به این فرقه ضالّه و گروههای سلفی و تکفیری خواهد بود، چون هر چیزی را از محصولش باید ارزیابی کنیم... (مکارم شیرازی، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت اهل مکارم شیرازی، بی تا).

به عنوان مثال بارها شنیده می شد که مجروحین داعش در سرزمین های اشغالی بستری و مداوا می شدند این نشان می دهد چه ارتباطی بین اسرائیل و صهیونیسم با این فرقه وجود دارد (صالحی، نشست همگرایی مذاهب اسلامی، ۱۳۹۳).

نتیجه گیری:

عملکرد و رفتار سلفی گری تکفیری ریشه در مبانی اعتقادی آنان دارد. آنان با قرائتی انحرافی از مبانی اصیل و کلیدی اسلامی، دیدگاهی انحرافی را رقم زد اند. آنان در حوزه روش شناسی بر نقل گرایی مفرط در برآر عقل گرایی تکیه می کنند و ظواهر متون را حجت دانسته و همین امر موجب شده نسبت حوزه های تشریع را به مرجعیت سلف توسعه دهند. آنان در هستی شناسی دیدگاهی حس گرایانه دارند. همچنین آنان با استفاده از مفهوم جاهلیت و تسری آن به جوامع اسلامی دیدگاهی متفاوت با سایر مسلمین ارائه کرده اند. نهایتاً آنان با قرائت بدعت آمیزی از مفهوم توحید و جهاد، مسلمانان را تکفیر کرده، دیدگاهی افراطی و رادیکال را ارائه می کنند.

البته همان گونه که در گذشته گفته شد، جریان سلفیه یک جریان منسجم با عقاید و مبانی واحد نیست و عواملی همانند ورود اندیشه های متفاوت متغیرهای متفاوت سیاسی و روش های به کار گرفته شده از سوی آنان موجب شکل گیری

جریان های متفاوتی شده است که برخی عبارت اند از: سلفی گری تکفیری، جهادی، تبلیغی، سیاسی و اصلاحی که هرچند در برخی مبانی با یکدیگر مشترک هستند، اما اختلافات مهمی میان آن ها دیده می شود و چنین وضعیتی نیازمند راهکارهای متناسب با هر جریان می باشد.

بی تردید برای تحقق وحدت اسلامی و رفع چالش های رشد جریان های تکفیری فراروی اسلام گرایی، باید از راهکار دیپلماسی ارتباطات گسترده میان گروه ها و کشورهای اسلامی و نقش سازنده نهاد تقریب مذاهب بهره گرفت؛ هم چنین مقابله نظامی با جریان های تکفیری، در واقع، زمینه ساز ارتباطات گسترده میان گروه ها و کشورهای اسلامی است که می تواند زمینه ساز هم گرایی دیدگا ها و نظرات امت اسلامی، در قبال خطر جریان های تکفیری را فراهم نماید.

در همین راستا، کاربرد نهاد تقریب مذاهب و کاهش اختلاف استراتژیک میان کشورهای اسلامی و سوق دادن توجهات به طرف منازعه اسرائیل و مسلمانان، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. از طرف دیگر، سرکوب فراگیر گروه های تروریستی تکفیری از روش های مختلف، می تواند تا حدود زیادی از گسترش فعالیت این گروه ها در منطقه و جهان اسلام جلوگیری کند.

بنابراین پیوند مبارزات علمی و نظامی از سوی امت اسلامی در راستای نابودی جریان های تکفیری، بستر ساز اتحاد امت اسلامی و نفی اسلام هراسی و بسط و گسترش اسلام نبوی خواهد بود.

هم چنین اهتمام و موفقیت ملت ها و دولت های مسلمان در نابودی کامل گروه های تروریستی تکفیری، امنیت و آرامش را در جهان به ویژه کشورهای اسلامی به ارمغان خواهد آورد که حصول این مهم از جمله آثار جلوگیری از دو قطبی سازی و اختلاف افکنی میان شیعه و سنی است، و موج عظیم اسلام گرایی را بیش از پیش تسهیل خواهد کرد.

منابع

- ۱ - اسپوزیتو، جان؛ و دیگری. (۱۳۹۱). جامعه مدنی و دموکراسی در خاورمیانه. ترجمه: م، ت، دلفروز. تهران: نشر فرهنگ جاوید.
- ۲ - بهروزلک، غلامرضا. (۱۳۸۶). جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۳ - روا، البویه. (۱۳۷۷). «از اسلام ایدئولوژیک تا ملی گرایی اسلامی در خاورمیانه»، ترجمه محمداسماعیل صادقی، ماهنامه اسلام و غرب سال ۳، شماره ۷ و ۸.
- ۴ - روا، آ. (۱۳۷۹). تجربه اسلام سیاسی، ترجمه: م، مدیر شانچی و دیگری، تهران: انتشارات بین المللی الهدی.
- ۵ - سعید، بابی. (۱۳۷۹). هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام گرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدی ها و موسی عنبری، انتشارات دانشگاه تهران.

- ۶ - سید نژاد، سید باقر. (۱۳۸۹). «سلفی گرایی در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول، بهار، مسلسل ۴۷.
- ۷ - سیف زاده، سید حسین. (۱۳۹۶). اصول روابط بین الملل الف و ب انتشارات میزان.
- ۸ - علیزاده موسوی، سدیدمهدی. (۱۳۹۱). جریان شناسی سلفیان و وهابیت و نقش آنان در جهان اسلام، مرکز بین المللی مطالعات صلح.
- ۹ - فرمانیان، مهدی. (پاییز ۱۳۸۸). «گرایش های فکری سلفیه در جهان امروز»، مشکات ش، ۱۰۴، ص ۷۷ تا ۱۰۴.
- ۱۰ - فوزی، یحیی. (۱۳۸۹). «گونه شناسی فکری جنبش های اسلامی معاصر و پیامدهای سیاسی- امنیتی آن در جهان اسلام» فصلنامه مطالعات راه بردی شماره ۵۰.
- ۱۱ - فیرحی، داود. (۱۳۹۰) دین و دولت در عصر مدرن، تهران: رخ داد نو، جلد ۲.
- ۱۲ - فیروز جایی، عباس. (۱۳۸۲). «بنیادهای فکری القاعده و وهابیت»، مجله راهبرد، تهران: شماره ۲۷.
- ۱۳ - کیل، ژیل. (۱۳۸۲). پیامبر وفرعون ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان.
- ۱۴ - کشاورز، حیدر. (۱۳۹۱). «تأثیر سلفی گری منطقه ای بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان.
- ۱۵ - نقیب زاد، احمد. (۱۳۸۸). «دین در عصر جهانی شدن: فرصت ها و چالش ها» فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین الملل، شماره ۲.
- ۱۶ - هرایر دکمچیان. (۱۳۹۰). اسلام در انقلاب: جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی پدیده بنیاد گرایی در اسلامی)، ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان.
- ۱۷ - حافظ وهبه. (۱۳۵۴ ق). جزیره العرب فی القرن العشرين مطبعة لجنة التألیف والترجمة والنشر.
- ۱۸ - حسین خلف، الشیخ خزعل. (۱۳۸۸ ق). تاریخ الجزيرة العربية فی عصر الشیخ محمد بن عبدالوهاب (حیة الشیخ محمد بن عبدالوهاب)، بیروت.
- ۱۹ - سعید، امین. (۱۳۸۴ ق). سيرة الامام الشیخ محمد بن عبدالوهاب، مکه.
۱. (). رشید رضا و دعوه الشیخ الکویت: مکتبة المعلا، ط ۲۰۱۹۸۸ - السلمان، محمد بن عبدالله.)
- 21 -Abdo, Genevieve. (2015). Salafists and Sectarianism: Twitter and Communal Conflict in the Middle East
- 22 - Center for Middle East Policy at Brookings, accessed at: <http://www.brookings.edu/research/papers/03/2015/Salafism-sectarianism-social-media>. Accessed at: 25/2015
- 23 - Amghar, Samir. (2011). Le Salafisme d'Aujourd'hui: Mouvements Sectaires en Occident. Paris: Michalon Editions.
- 24 - Gilles Kepel, Jihad: The Trail of Political Islam (Massachusetts: Harvard University Press, 2002)
- 25 - Hassan, Hassan. (2013). "The Gulf states: United against Iran, divided over Islamists", in: The Regional Struggle for Syria, edited by Julien Barnes - Dacey and Daniel Levy, The European Council on Foreign Relations
- 26 - Roy, Oliver. (2003). "Afghanistan: Two Years After fall Of Taliban", Interview with Oliver Roy. Terrorism Monitor. vol. 1,issue. 6, (special issue), november20.
- 27- Zeidan, David. (2001). "The Islamic Fundamentalist Veiw Of Life As A Perennial Battle", Middle East Review of International Affairs, Vol. 5, No.4 (December 2001).